**مهمان نوازی در سغد**

**مینوی، مجتبی**

مصنف کتاب گوید که من در سغدسرائى دیدم و در آن سرا بدیوار باز دوخته بود بمیخ، پرسیدم که این چه معنى دارد گفتند صد سال زیادتست که تا این در بازست که شب و روز نبسته‏اند و بیشتر ناگاه‏[کاروان‏]بى‏هنگام برسد و خداوندى سراى را حاجت نبود که از جاى بجنبد، برگ مردم و ستور همه مهیا باشد و هر کارى را کار کنى گماشته، و چون مهمان فرا رسد خداوند خانه شادى نماید و تازه‏رویى کند، و این معنى در هیچ اقلیم نشنودم مگر در این دیار، و بدیگر شهرها خداوندان مال نعمت خویش برخاصگان هزینه کنند و در فسق و فساد بکار برند و مردم ماورا النهر همه در کار خیر و پول و رباط و غیره صرف کنند و هیچ شهر و منزل و بیابان نبینى در ماور النهر الابهر منزلى رباط و جایگاهى ساخته‏اند زیادت ازان که بدان حاجت آید و آن را اوقاف و ارزاق پدیده کرده؛و شنوده‏ام که در ماورا النهر زیادت از ده هزار رباط است که هر چند مردم که آنجا برسد علف ستور و طعام مردم بدهند و هم مصنف این کتاب گوید که در ماورا النهر در همه خانها و سر محلتها و رباطها و جائى که مردمان نشینند بیشتر آنست که آب یخ سبیلى نهاده باشند بتابستان، و مردانگى ایشان خود باز گفته‏اند و سبب آنست که گرد بر گرد ماورا النهر همه حربیان‏اند.(ترجمه اصطخرى نسخه ایا صوفیه 3156 ق 94)